

**پرونده در دست شهود**

شهود مي‌توانند سرنوشت يك دعوي را تغيير دهند.



جام جم آنلاين: شهود مي‌توانند سرنوشت يك دعوي را تغيير دهند. شاهداني که عاقل، بالغ، عادل و مومن هستند، عرصه آنقدر برايشان باز است که به نفع يکي از دو طرف دعوي و به ضرر ديگري شهادت بدهند و سرنوشت نهايي يك پرونده حقوقي و جزايي را مشخص کنند.

شاهد وقتي در محکمه حاضر مي‌شود مي‌تواند ديده‌هايش را براي قاضي تعريف کند يا حتي شنیده‌هايش، يعني آنچه را که با چشم‌ها و گوش‌هايش ديده و شنیده به نفع يکي و به زبان ديگري بيان کند تا به واسطه شهادت او صاحب حق به حقوق قانوني‌اش برسد. اما براي اين که شهادت گواهان، مورد پذيرش قاضي قرار بگيرد آنها بايد افراد موجه و قابل اعتماد باشند.

يك شاهد ابتدا بايد بالغ باشد يعني به سن رشد شرعي (پسر 15 سال تمام و دختر 9 سال تمام) رسیده باشد و اهميت شهادت را درک کند. او همچنين بايد عاقل باشد و کسي نتواند خلاف اين موضوع را ثابت کند. ضمن اين که او بايد طهارت مولد داشته باشد و فرزند يك رابطه نامشروع نباشد. شاهد يك پرونده بايد عادل نيز باشد اما از آنجا که عدالت امري دروني است قاضي همين که تشخيص دهد او فردي عادل است يعني در اين رابطه حسن شهرت دارد و گمان نمي‌رود که او فردي مجرم باشد، شهادت او را مي‌پذيرد، اما مهم‌ترين ويژگي شاهدان، ذينفع نبودن آنها در پرونده است براي همين شهود يك پرونده نبايد با طرفين دعوي خويشاوندي نزديک داشته باشند يا با يکي از طرف‌ها در دعوايي جداگانه خصومت داشته باشند.

اين در حالي است که شهادت افراد متکدي يا آنهايي که در ازاي دريافت پول حاضر به ارائه هرگونه شهادتي هستند نيز در دادگاه پذيرفته نمي‌شود مگر اين که طرفين بتوانند اين موضوع را براي قاضي اثبات کنند.

**ضد و نقیض‌گويي ممنوع**

شاهدان دروغين را همه مي‌شناسند. بعضي از آنها که اطراف مجتمع‌هاي قضايي به اميد پيدا کردن مشتري پرسه مي‌زنند آنقدر شناخته شده‌اند که قضات به محض ديدنشان آنها را رد مي‌کنند و راه ورودشان به پرونده‌ها را مي‌بندند. البته هنوز شاهدان دروغين زيادي هستند که با شهادت ناحق‌شان مسير يك پرونده را به نفع کسي که آنها را استخدام کرده تغيير مي‌دهند اما اگر اين موضوع براي قاضي مسجل شود به شهادت ثبت شده در پرونده ترتيب اثر نخواهد داد.

يکي از مسائلي که به خاطر ورود شاهدان دروغي به پرونده‌ها ايجاد مي‌شود ضد و نقیض‌گويي آنهاست، چرا که اين افراد هنگام وقوع رويدادي که براي آن پرونده تشکيل شده حاضر نبوده‌اند تا از ريز وقايع باخبر باشند براي همين آنها در حين جلسه دادگاه ممکن است به تناقض‌گويي بيفتنند که همين اظهارات متفاوت مي‌تواند يکي از راه‌هاي اثبات غيرواقعي بودن گفته‌هاي آنان باشد.

البته اين ضد و نقیض‌گويي‌ها هميشه ناشي از کذب بودن شهادت نيست بلکه ممکن است به خاطر گذشت زمان و فراموش شدن جزئيات باشد اما به هر حال وقتي سرنوشت يك پرونده به شهادت شهود وابسته مي‌شود گفته‌هاي گواهان بايد يکسان باشد. البته منظور از يکسان بودن اظهارات اين نيست که آنها حتما از الفاظ و عبارات يکسان استفاده کنند بلکه منظور اين است که اظهارات شهود بايد يك معنا داشته باشد و اين در حالي است که شهادت شاهد بايد از روي يقين باشد و او در گفته‌هايش ترديد نداشته باشد چرا که چنين شهادتي از نظر دادگاه بي‌اعتبار است.

**شهادت بر شهادت**

شهودي از نظر دادگاه قابل اعتمادند که يا خودشان شاهد حادثه بوده و آن را به چشم ديده‌اند يا شاهد سمعي هستند و جزئيات حادثه را شنیده‌اند. در اين ميان شاهداني وجود دارند که نه حادثه را با چشم ديده و نه وقايع مربوط به آن را با گوش‌هايشان شنیده‌اند بلکه شرح ماوقع را از شاهد اوليه که خودش شاهد ماجرا بوده، شنیده‌اند.

نکته: رجوع از شهادت نيز به اثبات خلاف واقع بودن شهادت ندارد، چون کافي است شاهد مدعي شود که به خاطر تطميع، تهديد يا اشتباه، شهادت نادرست داده است که اگر چنين اتفاقي روي دهد اين شهادت از درجه اعتبار ساقط مي‌شود

این نوع شهادت که به آن شهادت بر شهادت گفته می‌شود البته در دادگاه اعتبار ندارد چون بی‌شک چه از روی عمد و چه از روی سهو مطالب عوض می‌شود و شکل غیرواقعی به خود می‌گیرد ولی با این حال این نوع از شهادت زمانی که شاهد اصلی فوت کرده باشد یا به دلایلی مانند بیماری، سفر یا حبس نتواند در دادگاه حاضر شود، پذیرفته می‌شود.

هر پرونده چند شاهد؟

هر پرونده شرایط خاص خودش را دارد. این‌که موضوع شهادت در مورد حقوق مالی باشد یا حقوق غیرمالی و بدنی و حدود و قصاص تعداد شاهدانی که باید در آن شهادت دهند، متفاوت می‌شود. طبق قانون مجازات اسلامی پرونده‌های مربوط به زنا و لواط نیاز به 4 شاهد مرد دارد و این در حالی است که برای پرونده‌های طلاق، رجوع در طلاق، دعاوی غیرمالی، جرح و تعدیل، عفو از قصاص، وکالت، وصیت، شرابخواری و حد سرقت، 2 شاهد مرد مورد نیاز است که این تعداد در دعاوی مالی، دین، معاملات، وقف، اجاره، غصب و جنایات شبه عمد می‌تواند شهادت 2 مرد یا شهادت یک مرد و 2 زن باشد.

البته در همه این موارد، شهادت زمانی اثرش را در سرنوشت پرونده باقی خواهد گذاشت که شاهد از شهادتی که ارائه داده، برنگردد (رجوع از شهادت) یا این‌که خلاف واقع بودن اظهارات او مسلم نشود.

طبق قانون، رجوع از شهادت نیاز به اثبات خلاف واقع بودن شهادت ندارد چون کافی است شاهد مدعی شود که به خاطر تطمیع، تهدید یا اشتباه، شهادت نادرست داده است که اگر چنین اتفاقی روی دهد این شهادت از درجه اعتبار ساقط می‌شود. البته اگر قاضی براساس این قبیل شهادت‌ها حکم صادر کرده باشد امکان فسخ آن در مرحله تجدیدنظر وجود دارد هر چند اگر بر مبنای چنین شهادتی حکم قطعی صادر شده باشد، فقط فرد زیان‌دیده می‌تواند خساراتی را که از شهادت دروغ متحمل شده، درخواست کند.

عواقب دروغگویی در دادگاه

یک دروغ کوچک می‌تواند سرنوشت یک فرد در دادگاه را تغییر دهد، برای همین قاضی قبل از ادای گواهی در دادگاه، مجازاتی که برای شهادت دروغ در قانون پیش‌بینی شده را به شاهدان تذکر می‌دهد، ولی با این حال چه افرادی که به خاطر علاقه‌شان به یکی از طرف‌های پرونده و چه آنهایی که در ازای دریافت پول، جامه شهادت پوشیده‌اند، گاه از دروغگویی ابایی ندارند، حتی وقتی مجبورند برای ادای شهادتشان، سوگند یاد کنند.

طبق قانون، شهادت دروغ باعث بطلان حکم می‌شود، اما این کذب بودن باید در دادگاه به اثبات برسد، ضمن این‌که کسی که شهادت دروغ می‌دهد نیز از آنجا که سبب صدور حکم به ناحق شده است، مستوجب مجازات خواهد بود. به این ترتیب چنانچه شاهد پس از ادای سوگند، شهادت دروغ بدهد، اگر این موضوع برای دادگاه محرز شود، مجازات سوگند و شهادت دروغ باهم جمع می‌شود و اگر شهادت دروغ در مورد حدود، قصاص یا دیات باشد، باز هم همه مجازات‌ها با هم جمع خواهند شد.

این در حالی است که مطابق قاعده کلی مسوولیت مدنی می‌گوید هرگاه کسی سبب ورود خسارات به دیگری شود، باید آن را جبران کند. در شهادت کذب نیز شهود باید خسارت فرد زیان‌دیده را جبران کند.

مریم خباز / گروه جامعه